

ارائه الگویی جهت تبیین نقش معافیت مالیاتی و تصمیمات تأمین مالی و سرمایه‌گذاری بر عملکرد شرکت‌های سرمایه‌گذار در منطقه ویژه اقتصادی امیرآباد^۱

نوع مقاله: پژوهشی

عبدالحمید جهانگیروند^۲

محمد رضا شورورزی^۳

زهرا نوری توپکانلو^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۱

چکیده

عملکرد می‌تواند براساس میزان سرمایه‌گذاری شرکت، تأمین مالی و همچنین مشوق‌های مالیاتی همچون معافیت‌های مالیاتی مناطق ویژه اقتصادی تحت‌الشعاع قرار گیرد. هدف مطالعه حاضر ارائه الگویی جهت تبیین نقش معافیت مالیاتی و تصمیمات تأمین مالی و سرمایه‌گذاری بر عملکرد شرکت‌های سرمایه‌گذار در منطقه ویژه اقتصادی امیرآباد بوده است. محیط پژوهش منطقه ویژه اقتصادی امیرآباد در استان مازندران و جامعه پژوهش شرکت‌های در حال بهره‌برداری در منطقه بود. در این راستا تعداد ۱۰۱ پرسشنامه به شیوه نمونه‌گیری تصادفی از بین مدیرعاملان یا معاون اداری و مالی، مدیر مالی، رئیس حسابداری و کارشناس و کارشناس مسئول درآمد و حسابداری گردآوری شد. در همین راستا داده‌ها از طریق نرم‌افزارهای SPSS و SmartPLS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج حاصل از آزمون فرضیات پژوهش حاکی از تأثیر مثبت و معنادار معافیت‌های مالیاتی بر تصمیمات تأمین مالی و سرمایه‌گذاری است. همچنین تصمیمات تأمین مالی و

^۱ این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول در گروه حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان می‌باشد.

^۲ دانشجوی دکتری گروه حسابداری واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران
jahan6775@yahoo.com

^۳ دانشیار گروه حسابداری واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران (نویسنده مسئول)
shurvarzi.dr@gmail.com

^۴ استادیار گروه مدیریت بازرگانی واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران
Zahra.noori.2007@gmail.com

سرمایه‌گذاری در نهایت به افزایش عملکرد شرکت‌های سرمایه‌گذار در منطقه ویژه اقتصادی امیرآباد منتج می‌شود.

کلمات کلیدی: عملکرد شرکت، معافیت مالیاتی، تصمیمات سرمایه‌گذاری، تصمیمات تأمین مالی.

طبقه‌بندی JEL: L1, P45, M21, M41

مقدمه

در سال‌های اخیر، سیر شتابان و مستمر رویدادها، به‌طور تدریجی مرزها، ساختار و پویایی فضای کسب‌وکار شرکت‌ها را دگرگون ساخته و تمامی شرکت‌ها را به نحوی روزافزون با چالش‌های جدید، غیرمنتظره و گسترده‌ای مواجه کرده است. با نزدیک شدن به سال‌های پایانی قرن بیستم و ورود به قرن جدید سرعت این تغییرات شدیدتر شد، به‌گونه‌ای که بسیاری از سازمان‌ها با نوعی از سرگشتگی در چگونگی مقابله با پویایی محیط، روبه‌رو شده‌اند (وانگ و همکاران^۱، ۲۰۱۶). تغییرات محیطی، اثر بسیار مؤثر و غیرقابل‌انکاری بر عملکرد سازمان دارند. بسیاری از سازمان‌ها که سال‌ها سودآور و موفق بوده‌اند، با تغییر مختصات محیطی و عدم همراهی با پویایی‌های محیط، نتوانستند عملکرد مناسبی داشته باشند و با ورشکستگی روبه‌رو شده‌اند. به‌عنوان مثال شرکت‌هایی که طی سال‌های ابتدایی فعالیت خود معاف از مالیات هستند و به یک‌باره باید مالیات پرداخت کنند، ممکن است در چنین شرایطی نتوانند به درستی عمل نمایند (فلیپس و همکاران^۲، ۲۰۱۵). چنین مسایلی باعث شده که شرکت‌های تولیدی در کشور ما، عمر بسیار پایینی داشته باشند و بسیاری از آنها به علت ناتوانی در پاسخ‌گویی به نیازها و فرصت‌های محیطی از تولید بازمی‌مانند و نمی‌توانند عملکرد قابل قبولی را از خود ارائه کنند و به‌تدریج از چرخه تولید کشور حذف می‌شوند (سوییتین و همکاران^۳، ۲۰۱۳). همان‌طور که واحدهای تولیدی نقش مهم و اساسی در توسعه اقتصادی کشورها ایفا می‌کنند، در صورت شکست می‌توانند نقش منفی در اقتصاد داشته باشند (ابراهیم پور، ۱۳۹۳). در این راستا عوامل مختلفی همچون سرمایه‌گذاری، تأمین مالی و معافیت‌های مالیاتی می‌تواند نقش اساسی در عملکرد شرکت‌ها داشته باشد که در این مطالعه به این مهم پرداخته می‌شود.

۱. مبانی نظری

۱-۱. مالیات در اقتصاد اسلامی و مشخصات آن

با توجه به اهداف بسیار متنوع و گوناگون اقتصاد اسلامی در مقایسه با مکتب‌های دیگر دولت به وجوه مختلفی جهت تأمین مخارج خود نیاز دارد، بنابراین مالیات‌های اسلامی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین راه‌های تأمین مالی مخارج دولت از اهمیت خاصی برخوردار است. در نظام اسلامی نیز خداوند متعال برای حکومت و اداره حکومت اسلامی منبع مالی قرار داده است که این منابع مالی

^۱ Wang et al.

^۲ Phillips et al.

^۳ Sweetin et al.

همان مالیات‌های شرعی و اسلامی است تا حکومت اسلامی با اخذ آن از مردم آن را به مصرف اداره جامعه و پیشرفت و توسعه کشور اسلامی برساند. اسلام برای توزیع مجدد درآمدها و ثروت‌ها دو نوع سیاست را اندیشیده است: سیاست‌های تکلیفی و سیاست‌های تشویقی. سیاست‌های تکلیفی شامل خمس، زکات مال، زکات بدن (فطریه)، کفاره‌های مالی (جریمه‌های شرعی برای تلفاتی مانند شکستن نذر و قسم، خوردن روزه ماه مبارک رمضان و ارتکاب برخی محرمات احرام در حج). علاوه بر این اسلام مردم را به صرف کردن اموال در راه خدا و کارهای خیر، به ویژه تأمین نیازمندان، تشویق کرده است (احمدی، ۱۳۹۱).

در اقتصاد اسلامی در مقایسه با سیستم‌های مالیاتی دیگر چون افراد داوطلبانه به پرداخت مالیات‌های موظف اقدام می‌کنند هزینه جمع‌آوری آن بسیار پایین است. آنچه تاکنون کمتر مورد توجه خاص محققان اقتصاد اسلامی قرار گرفته است طرح مسئله مالیات در یک نظام اقتصاد اسلامی و براساس فقه شیعه و مقایسه آن با جایگاه مالیات و سیاست‌های مالیاتی در اقتصاد جدید متکی بر نظام کینز می‌باشد و این پرسش مطرح می‌شود که آیا اساساً این امکان وجود دارد که در چارچوب یک دولت اسلامی بتوان مالیات‌های مخصوص مانند زکات، خمس، خراج، جزیه و امثال آن را در سایر منابع مالی دولت ادغام کرد.

۲-۱. معافیت مالیاتی و انواع آن

دولت‌ها با برقراری برخی معافیت‌ها یا با ایجاد برخی بخشودگی‌های مالیاتی اهداف اقتصادی خود را دنبال می‌نمایند. این معافیت‌ها عمدتاً به دو دسته معافیت‌های پایه درآمدی و معافیت‌های موضوعی تقسیم می‌شوند. دسته اول: معافیت‌های پایه درآمدی که باهدف تأمین عدالت اجتماعی و بهبود توزیع درآمد وضع می‌گردند. این معافیت‌ها پس از حصول درآمد و ثمربخشی فعالیت اقتصادی اعطاء می‌شوند (نظری، ۱۳۹۰). دسته دوم: معافیت‌های موضوعی که با هدف تخصیص مجدد منابع وضع می‌گردند. این معافیت‌ها قبل از هرگونه سرمایه‌گذاری و به‌منظور جهت‌دهی به روند سرمایه‌گذاری اعطاء می‌شوند (نظری، ۱۳۹۰). مالیات یکی از مسائل مهم اقتصادی هر جامعه است. قوانین مالیاتی ازجمله قوانین مادر در زمینه‌های اقتصادی محسوب می‌شود و شاید مهم‌ترین رکن اعمال سیاست‌های اقتصادی دولت است و همگان در حساسیت این امر اتفاق نظر دارند (مهرگان و اسکندری عطا، ۱۳۹۵). مالیات‌ها مؤثرترین ابزار سیاست‌های دولت برای نیل به اهداف اقتصادی می‌باشد. کارایی سیستم‌های مالی نیز به ساختار نظام مالیاتی کشورها در دو بعد قوانین و نظام اجرایی بستگی دارد. نقش مالیات را می‌توان از سه بعد مالی، اجتماعی و اقتصادی مورد بررسی قرارداد (عسگری و همکاران، ۱۳۹۵).

تأثیر مالیات و سیاست‌های مالیاتی بر امور اقتصادی برای همگان روشن است. کشوری مانند ژاپن، در قرن نوزدهم توانست با اتخاذ یک سیاست مالیاتی متناسب، از یک کشور به نسبت عقب‌مانده به قدرتی جهانی مبدل شود. پس معلوم می‌گردد که قوانین مالیاتی نه تنها باید متضمن ایجاد درآمد برای دولت باشد، بلکه باید درعین حال در جهت اهداف دیگر نیز قرار داشته باشد و یا حداقل به‌طور ملموسی در تضاد با آن اهداف نباشد (عباسی و فیضی چکاب، ۱۳۹۹). از دیدگاه کلان اقتصادی، مالیات‌ها یکی از عمده‌ترین ابزار سیاست‌های اقتصادی دولت محسوب می‌شوند و از نظر تحلیل‌های خرد اقتصادی دو اثر عمده تخصیص و توزیع را دارند. کلاسیک‌ها مالیات را برای جبران هزینه یک سری از وظایف دولت می‌پذیرفتند و آن وظایف نیز عمدتاً کالاها و خدمات عمومی ضروری و لازم برای ادامه کار و فعالیت بازار بود. کینز با طرح نظریه خود و توجیه ضرورت دخالت جهت حفظ ثبات اقتصادی، به ابزار سیاست‌های مالی اقتصادی اهمیت بخشید. به عبارت دیگر از نظر او، مالیات نه فقط برای تأمین هزینه‌های تولید کالاها عمومی، بلکه برای اجرای سیاست‌های اقتصادی دولت نیز کارآمد است. در شرایط تورمی می‌توان با افزایش مالیات بر درآمد، درآمد قابل‌تصرف افراد را کاهش داده و از فشار تورمی کاست. درحالی‌که در مواقع رکود کاهش مالیات‌ها می‌تواند افزایش تقاضا را به دنبال داشته باشد (نظری، ۱۳۹۰).

۳-۱. انواع معافیت مالیاتی در ایران

معافیت‌ها با توجه به اهداف، توزیع درآمد و تخصیص بهینه منابع و جهت بخشیدن به فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی متناسب با اهداف هر جامعه به روش‌های گوناگون اعمال می‌گردند که بررسی قوانین مالیاتی کشور حاکی از آن است که مهم‌ترین معافیت‌های مالیاتی در ایران به شرح جدول ذیل خلاصه می‌گردد (نظری، ۱۳۹۰).

جدول ۱. اهم معافیت‌های مالیاتی در ایران

ردیف	معافیت‌های مالیاتی در ایران
۱	معافیت مالیاتی در بخش کشاورزی، واحدهای تولیدی، معدنی و گردشگری
۲	معافیت مالیاتی مناطق آزاد تجاری، صنعتی و ویژه اقتصادی و مناطق محروم
۳	معافیت مالیاتی صادرات غیرنفتی
۴	معافیت مالیاتی درآمد و حقوق

۵	معافیت مالیاتی فعالیتهای فرهنگی و هنری، مدارس و دانشگاههای غیر انتفاعی
---	--

منبع: نظری، ۱۳۹۰

جامعه آماری پژوهش، شرکت‌های فعال در منطقه ویژه اقتصادی امیرآباد بوده و طبق قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی و ویژه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران اشخاص حقیقی و حقوقی که در منطقه به انواع فعالیتهای اقتصادی اشتغال دارند، نسبت به هر نوع فعالیت اقتصادی در منطقه آزاد از تاریخ بهره‌برداری مندرج در مجوز به مدت پانزده سال از پرداخت مالیات بر درآمد و دارایی موضوع قانون مالیات‌های مستقیم معاف خواهند بود و پس از انقضای پانزده سال تابع مقررات مالیاتی خواهند بود که با پیشنهاد هیأت وزیران به تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد رسید (نظری، ۱۳۹۰).

۴-۱. معافیت مالیاتی و تأمین مالی

با افزایش معافیت‌های مالیاتی، شرکت‌ها دسترسی بیشتری به منابع تأمین مالی در شرکت دارند و بدین ترتیب می‌توانند سرمایه‌گذاری بیشتری نیز انجام دهند. همچنین در شرایط معافیت مالیاتی، شرکت‌ها گزارش‌های مالی شفاف‌تری ارائه می‌دهند چراکه به دنبال اجتناب از مالیات نیستند. لذا تأمین مالی خارجی نیز با سهولت بیشتری محقق خواهد شد. در همین راستا لو و همکاران (۲۰۲۰) موفقیت در حیطه تأمین اعتباری-مالیات را مطرح کردند. به‌طوری‌که بانک اعتبار مشخصی را به شرکت‌ها می‌دهد که عمدتاً براساس میزان پرداخت‌های مالیات گذشته شرکت است که توسط اداره مالیات گزارش شده است. این خط اعتباری، واحد معینی از مجموع پرداخت‌های مالیاتی است که از یک‌طرف، از طریق رتبه‌بندی اعتباری اداره مالیات، اطلاعات نامتقارن بین شرکت‌ها کاهش می‌یابد. بنابراین بانک‌ها می‌توانند بدون وثیقه وام پرداخت کنند که می‌تواند به‌عنوان راه‌حلی برای مشکل تأمین مالی شرکت‌ها (به دلیل ثروت کم و مسائل مطرح‌شده در شرکت‌های کوچک و متوسط) در نظر گرفته شود. از سوی دیگر، درواقع، بسیاری از شرکت‌ها از طریق ابزارهای مختلف برای منافع خود از مالیات فرار می‌کنند و دولت می‌تواند از این طریق شرکت‌ها را به پرداخت مالیات براساس حسن نیت و منافع ملموس آن، برای شرکت‌ها تشویق کند. گاتسی و همکاران^۱ (۲۰۱۳)، بیان کردند که بین مالیات بر درآمد شرکت‌ها و عملکرد مالی رابطه منفی معناداری وجود دارد. پولیتو و

¹ Gatsi

همکاران^۱ (۲۰۱۹)، نیز به نتایج مشابه در کشورهای اروپایی دست یافتند. لو و همکاران (۲۰۱۶) بیان کردند که هزینه سرمایه‌ای بعد از اصلاح قانون مالیات، کاهش یافت. درحالی‌که این میزان در شرکت‌هایی که دارای سهام‌دار حقوقی بالایی بودند، پایین‌تر بود چون این سهام‌داران معاف از مالیات می‌باشند و این تغییرات در نرخ مالیات تأثیری بر هزینه سرمایه‌ای آنها نداشت. در ایران نیز خدماتی پور و همکاران (۱۳۹۲)، نشان دادند که رابطه منفی بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدهی وجود دارد. این رابطه منفی نشان می‌دهد که اثر مناسب مالیاتی ناشی از اجتناب از پرداخت مالیات می‌تواند به‌عنوان بدهی برای شرکت به‌کار رود، از این‌رو اجتناب از پرداخت مالیات می‌تواند به‌عنوان جانشین استفاده از بدهی باشد. هاشمی و محرابی (۱۳۸۷)، بیان کردند که هم‌زمان با کاهش نرخ مالیات شرکت، استفاده از بدهی نیز کاهش می‌یابد. این نتایج مطابق با نتایج آزمون تأثیر مستقیم معافیت مالیاتی بر عملکرد است. به‌طوری‌که اگر نقش مستقیم معافیت مالیاتی در افزایش عملکرد بیشتر شود، تأمین مالی بر عملکرد تأثیر نخواهد داشت. چراکه افزایش معافیت مالیاتی به‌نوعی جایگزین تأمین مالی می‌شود.

۵-۱. معافیت مالیاتی و تصمیمات سرمایه‌گذاری

سرمایه‌گذاری کلید توسعه اقتصادی و عامل مؤثر در هدایت اقتصاد است. جوامعی که علاقه‌مند به ثبات اقتصادی هستند و دولت‌هایی که خواهان رشد مداوم اقتصادی کشور می‌باشند، نمی‌توانند از این عامل مهم توسعه چشم‌پوشی نمایند. افزایش میزان مالیات به سمت کاهش انگیزه برای سرمایه‌گذاری و تولید موجب کاهش فعالیت‌های اقتصادی، کاهش درآمد ملی و گسترش بیکاری می‌شود. حتی زمانی که امنیت سرمایه‌گذاری در کشور فراهم شود اگر بازدهی سرمایه‌گذاری در اثر انواع مالیات و عوارض پایین‌تر از سایر کشورها باشد، سرمایه به‌سوی کشورهایی حرکت خواهد کرد که بازدهی در آنها بیشتر است. همچنین افزایش نرخ‌های مالیاتی همیشه موجب تأمین عدالت اقتصادی نمی‌شود زیرا هرگونه افزایش مالیات، منابع مالیاتی را به دلیل سرمایه‌گذاری کمتر کوچک‌تر می‌کند و برعکس باعث تقلیل درآمدهای مالیاتی می‌شود (رستمی و اسدزاده، ۱۳۹۶؛ رفعت میلانی و همکاران، ۱۳۹۹).

دامیانی و همکاران (۲۰۲۱)، تأثیر تخفیف مالیاتی برای ایجاد انگیزه (در قانون شماره ۲۰۱۵/۲۰۸) بر بهره‌وری نیروی کار و متوسط دستمزد در شرکت‌های ایتالیایی را بررسی نمودند. در این راستا بیان کردند که، تخفیف مالیاتی هم بر بهره‌وری نیروی کار و هم بر متوسط دستمزد تأثیر مثبت دارد. این افزایش بهره‌وری از طریق افزایش سرمایه‌گذاری اتفاق افتاده است. لو و

¹ Politou

همکاران (۲۰۲۰) در تحقیقی دیگر فرض می‌کنند که سرمایه مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری توسط سرمایه‌گذاری مستقیم دولت از طریق مشارکت دولتی - خصوصی و تعامل بانک - مالیات که یک ابزار نوین مالی برای حل مشکل تأمین مالی شرکت‌های کوچک و متوسط است، تأمین شود. در این راستا قیمت‌گذاری اوراق بهادار شرکتی و استراتژی‌های سرمایه‌گذاری بهینه را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج نشان داد که تعامل بانک - مالیات سرمایه‌گذاری را بسیار ارزان‌تر و جذاب‌تر می‌کند و بنابراین مشکل کم سرمایه‌گذاری در بازارهای بی‌ثبات را کاهش می‌دهد. علاوه بر این، تعامل بانک - مالیات می‌تواند ارزش کل شرکت را افزایش دهد، نسبت اهرم و احتمال ورشکستگی را کاهش دهد. همچنین خط اعتباری قرارداد تعامل بانک - مالیات با عواملی که بر ساختار وام شرکت‌های کوچک و متوسط تأثیر می‌گذارد، مانند بی‌ثباتی، نرخ مالیات، تقسیم هزینه سرمایه‌گذاری و ضرب اعتبار افزایش می‌یابد. از همه مهم‌تر، تقسیم بهینه هزینه سرمایه‌گذاری وجود دارد، به‌طوری‌که هزینه نمایندگی بین شرکت‌های کوچک و متوسط و دولت به دلیل سرمایه‌گذاری مستقیم از طریق مشارکت دولتی - خصوصی به صفر می‌رسد. اسیری و همکاران (۲۰۲۰) نیز در پژوهشی با عنوان "اجتناب از پرداخت مالیات و سطح سرمایه‌گذاری شرکت‌ها" به بررسی تأثیرات ابهام در صورت‌های مالی، قابلیت مقایسه در صورت‌های مالی و رقابت در بازار محصول بر رابطه بین اجتناب از پرداخت مالیات و سطح سرمایه‌گذاری شرکت‌ها در امریکا پرداختند. آنان در پژوهش خود نشان دادند که اجتناب مالیاتی سبب ناکارایی سرمایه‌گذاری می‌شود. و ابهام در صورت‌های مالی، قابلیت مقایسه در صورت‌های مالی و رقابت در بازار محصول در این رابطه نقش میانجی ایفا می‌کند.

لو و همکاران (۲۰۱۶) تأثیر کاهش نرخ مالیات در سال ۲۰۱۳ را بر هزینه سرمایه‌های شرکت‌ها مورد مطالعه قراردادند. برای این کار، آنها ابتدا هزینه سرمایه‌ای شش تا سه‌ماهه قبل شش تا سه‌ماهه بعد از قانون مالیات را مورد ارزیابی قراردادند و دریافتند که هزینه سرمایه‌ای بعد از اصلاح قانون مالیات، به‌طور میانگین به‌اندازه ۱/۰۲ درصد کاهش یافت. درحالی‌که این میزان در شرکت‌هایی که دارای سهام‌دار حقوقی بالایی بودند، پایین‌تر بود چون این سهام‌داران معاف از مالیات می‌باشند و این تغییرات در نرخ مالیات تأثیری بر هزینه سرمایه‌ای آنها نداشت. آخمادیو و همکاران^۱ (۲۰۱۶)، نقش مالیات بر سرمایه‌گذاری کشورها را منفی دانستند. نیمان^۲ (۲۰۱۱)، بیان کرد که افزایش عدم اطمینان مالیات احتمالاً باعث تسریع در سرمایه‌گذاری می‌شود. همچنین پرداخت بالاتر مالیات مورد انتظار سرمایه‌گذاری را به تأخیر می‌اندازد. نرخ تخفیف بالاتر مالیات نیز منجر به تسریع سرمایه‌گذاری خواهد شد. آلویس^۳ (۲۰۱۹)، نیز به نتایج مشابه در تأثیر منفی

¹ Akhmadeev

² Niemann

³ Alves

مالیات بر سرمایه‌گذاری دست یافتند. مطالعات درایلر و اوریش^۱ (۲۰۱۳) نشان داد که کاهش مالیات به افزایش سرمایه‌گذاری کمک می‌کند. کرانسدورف^۲ (۲۰۱۰)، نیز نقش معافیت‌های مالیاتی در سرمایه‌گذاری در آفریقای جنوبی را مثبت دانست. اسیری و همکاران (۲۰۲۰) نیز بیان کردند که اجتناب مالیاتی سبب ناکارایی سرمایه‌گذاری می‌شود.

در ایران نیز پژوهان و خسروی (۱۳۹۱) بیان کردند که مالیات بر شرکت‌ها، رابطه منفی با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی داشته است و بیان کردند که با توجه به رابطه معکوس میان سرمایه‌گذاری و مالیات بر شرکت‌ها، اعمال معافیت‌های مختلف مالیاتی در بحث مالیات بر شرکت‌ها، تعیین نرخ استهلاك بیش از نرخ استهلاك واقعی اقتصادی، سرعت بخشیدن به استهلاك قابل قبول، استفاده از نرخ نزولی مالیات بر شرکت‌ها پس از چند نرخ تصاعدی و به‌طور کلی بازنگری در قوانین مالیاتی، اعمال سیاست‌هایی که باعث کاهش تورم و نرخ بهره گردد، در جهت تشویق سرمایه‌گذاری می‌تواند مؤثر واقع گردد. عرب‌مازار و همکاران (۱۳۹۲)، نیز بیان کردند که در بلندمدت همبستگی پویای بین سرمایه‌گذاری و مالیات‌ها معکوس بوده و نیز سرمایه‌گذاران نسبت به سیاست‌های مالیاتی دولتی حساس می‌باشند. نصیری‌نژاد و همکاران (۱۳۹۳)، بیان کردند که کشور اندونزی که رشد بالاتری در جذب سرمایه‌گذاری داشته است، میزان مالیات کمتری به نسبت دیگر کشورهای دی هست، در سال‌های مختلف دریافت کرده است. رستمی و اسدزاده (۱۳۹۶)، نیز در مطالعه‌ای دیگر بیان کردند که راه کارهای معافیت و روش اعتبار مالیاتی تأثیر مثبتی در تشویق سرمایه‌گذاری خارجی داشته‌اند. رحیمی و فروغی (۱۳۹۹) نیز بیان کردند که اجتناب از پرداخت مالیات مستلزم پنهان کردن حقایق و انجام معاملات پیچیده است که منجر به رفتارهای فرصت طلبانه مدیریت و کاهش کارایی سرمایه‌گذاری شرکت می‌شود؛ اما در شرایط ایران اجتناب از پرداخت مالیات رویه‌ای است که نه لزوماً به قصد ایجاد کارایی بیشتر بلکه به‌طور معمول توسط شرکت‌ها دنبال می‌شود. خانزادی و قادری (۱۳۹۹) نیز به رابطه معکوس مالیات و سرمایه‌گذاری اشاره نمودند.

۱-۶. تصمیمات تأمین مالی و عملکرد شرکت

دسترسی آسان و با هزینه پایین به نقدینگی، به دلیل افزایش احتمال نوآوری (کینگ و لوین^۳، ۱۹۹۳)، سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه، بهبود وضعیت تکنولوژی و تخصیص بهینه منابع (لوین

^۱ Dreßler & Overesch

^۲ Kransdorff

^۳ King & Levine

و زروس^۱، (۱۹۹۸) و همچنین کاهش ریسک نقدینگی در پروژه‌هایی که در بلندمدت منجر به افزایش بهره‌وری می‌شوند (آگیون و همکاران^۲، ۲۰۱۰)، اثر مثبت بر بهره‌وری و بنابراین بر عملکرد و رشد شرکت دارد. از سوی دیگر، عدم دسترسی به تأمین مالی و وجود محدودیت‌های مالی تأثیر قابل توجهی بر فعالیت‌های واقعی بنگاه‌ها از جمله سرمایه‌گذاری در دارایی ثابت (فازاری و همکاران^۳، ۱۹۸۸)، سرمایه‌گذاری در موجودی (کارپنر و همکاران^۴، ۱۹۹۸) و اشتغال (بنیتو و هرناندو^۵، ۲۰۰۷) دارد. بنابراین می‌توان انتظار داشت میان میزان دسترسی بنگاه‌ها به منابع مالی یا به‌طور کلی تأمین مالی و عملکرد شرکت‌ها ارتباط وجود دارد.

در همین راستا مگنانلی و ایزو^۶ (۲۰۱۷)، بیان کردند که بین هزینه بدهی و عملکرد شرکت رابطه مثبت وجود دارد. همچنین افزایش تأمین مالی، ریسک شرکت را کاهش می‌دهد. اسلام^۷ (۲۰۱۴) بیان کرد که تأمین مالی، منجر به افزایش عملکرد شرکت از طریق افزایش انگیزه کارکنان می‌شود. لو و همکاران (۲۰۲۰) نیز تأمین مالی برای شرکت‌های کوچک و متوسط را به‌عنوان راه‌کاری برای افزایش عملکرد دانستند. بانوس کابلرو و همکاران (۲۰۱۶)، نیز اشاره کردند که برای افزایش عملکرد، مدیران نه‌تنها باید نگران سرمایه‌گذاری در سرمایه موردنیاز باشند بلکه نحوه تأمین مالی این سرمایه‌گذاری را نیز مورد توجه قرار دهند. گرانت و یئو (۲۰۱۸) نیز اشاره کردند که به محض اینکه از نظر فنی بسیار پیشرفته شوند، سیاست‌های تأمین مالی بانکی برای افزایش عملکرد اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. مطالعات پرینپاناتان^۸ (۲۰۱۴)، نیز نشان داد که با افزایش تأمین مالی، عملکرد شرکت‌ها کاهش پیدا می‌کند.

در داخل کشور نیز خزایی و همکاران (۱۳۹۶)، بیان کردند که تأمین مالی از طریق ابزارهای بدهی بر عملکرد بنگاه‌های تولیدی تأثیر مثبت و معنادار دارد. مرادزاده فرد و همکاران (۱۳۹۲)، نیز بیان کردند که بین حجم تأمین مالی و نسبت Q توبین و ارزش‌افزوده بازار رابطه معناداری وجود دارد همچنین تأمین مالی از طریق انتشار سهام، با نسبت Q توبین، ارزش‌افزوده بازار و ارزش افزوده اقتصادی تعدیل‌شده رابطه معنادار دارند. از سوی دیگر تأمین مالی از طریق بدهی و تأمین مالی خارج از ترازنامه به ترتیب با ارزش‌افزوده بازار و نسبت Q توبین رابطه معنادار دارند. مینایی و صمدی (۱۴۰۰)، نشان دادند که تأثیر سرمایه‌گذاران خطرپذیر و وام بانکی بر عملکرد این شرکت‌ها

¹ Levine & Zervos

² Aghion & et al

³ Fazzari & et al

⁴ Carpenter & et al

⁵ Benito & Hernando

⁶ Magnanelli & Izzo

⁷ Aslam

⁸ Perinpanathan

تأثیر معنادار و مستقیم (هرچند ضعیف) دارد. هاشمی و مهرابی (۱۳۸۷)، نیز بیان کردند که هم‌زمان با کاهش نرخ مالیات شرکت، استفاده از بدهی نیز کاهش می‌یابد. از طرفی دیگر تأمین مالی ممکن است به دلایلی همچون بحران مالی، ورشکستگی، مشکلات درون شرکت و غیره باشد. در چنین شرایطی تأمین مالی به افزایش عملکرد منتج نخواهد شد. در این راستا مطالعات مجتهدزاده و همکاران (۱۳۸۸) نیز نشان داد که نه تنها تأمین مالی اثری بر عملکرد عملیاتی ندارد؛ بلکه نوع و حجم تأمین مالی نیز بر اکثر سنج‌های عملکرد عملیاتی تأثیر چندانی ندارند.

۷-۱. تصمیمات سرمایه‌گذاری و عملکرد شرکت

گرانث و یئو (۲۰۱۸) نشان دادند که فاکتورهای مالی از نظر اهمیت در صنایع مختلف در سطوح مختلف پیشرفت تکنولوژی متفاوت است. صنایع با فناوری پایین به تأمین مالی و سرمایه‌گذاری‌های فناوری متکی هستند. همان‌طور که آنها به سمت صنایع در حال گذار می‌روند، سرمایه‌گذاری‌های فناوری از اهمیت بیشتری برخوردار هستند. مطالعات لو و همکاران (۲۰۲۰) نیز نتایج مشابهی نشان دادند. ورنر و همکاران^۱ (۲۰۲۱)، با استفاده از داده‌های مربوط به شرکت‌های کوچک و متوسط آلمانی، بیان کردند که واقعه جانشینی در مقایسه با بنگاه‌های اقتصادی بدون قصد جانشینی، قبل از انتقال اثر منفی بر رفتار سرمایه‌گذاری می‌گذارد اما پس از انتقال مثبت است. با توجه به عملکرد، نتایج نشان داد که نرخ رشد شرکت‌ها پس از جانشینی افزایش می‌یابد.

زبیر و همکاران (۲۰۲۰) بیان کردند که سرمایه‌گذاری‌های شرکت‌های خصوصی کوچک و متوسط چه در زمان بحران مالی و چه پس از آن به طرز چشم‌گیری کاهش یافته است. همچنین مطرح کردند که سرمایه‌گذاری‌ها در دوره بحران بیشتر به تأمین مالی داخلی وابسته هستند. با این حال، تأثیرات دو منبع مالی بر سرمایه‌گذاری شرکت در دوره پس از بحران تفاوتی ندارند. گرانث و یئو^۲ (۲۰۱۸) یک‌چشم انداز جهانی در مورد سرمایه‌گذاری در فناوری در زمینه عملکرد صنعت تولید و خدمات را بررسی نمودند. در این راستا نشان دادند که فاکتورهای مالی از نظر اهمیت در صنایع مختلف در سطوح مختلف پیشرفت فناوری متفاوت است. صنایع با فناوری پایین به سرمایه‌گذاری‌های فناوری متکی هستند. همان‌طور که آنها به سمت صنایع در حال گذار می‌روند، سرمایه‌گذاری‌های فناوری از اهمیت بیشتری برخوردار هستند. به محض اینکه از نظر فنی بسیار پیشرفته شوند، سیاست‌های تأمین مالی بانکی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

¹ Werner et al.

² Grant & Yeo

همچنین در ایران مینایی و صمدی (۱۴۰۰)، نشان دادند که تأثیر سرمایه‌گذاران خطرپذیر و وام بانکی بر عملکرد این شرکت‌ها تأثیر معنادار و مستقیم (هرچند ضعیف) دارد. در مطالعه‌ای دیگر حاجی اصل و همکاران (۱۳۹۹)، بیان کردند که سرمایه‌گذاری فناوری اطلاعات بر عملکرد مالی تأثیر معنی‌داری داشت. هادیان و همکاران (۱۳۹۶)، بیان کردند که سرمایه‌گذاری در سودآوری آینده در شرکت‌ها تأثیر با محدودیت مالی نسبت به شرکت‌های بدون محدودیت مالی است. برنگی و زنجیردار (۱۳۹۳)، نیز تأثیر سرمایه‌گذاری در فن‌آوری اطلاعات بر عملکرد شرکت‌ها را مثبت قلمداد کردند.

۸-۱. پیشینه پژوهش

به‌منظور نیل به هدف حداکثر نمودن عملکرد، شرکت‌ها تلاش می‌کنند تصمیمات مناسبی برای سرمایه‌گذاری اتخاذ کنند (اسیری و همکاران،^۱ ۲۰۲۰). لذا، مدیران سعی می‌کنند، در صورتی سرمایه‌گذاری کنند که بازده آن بیشتر از هزینه نهایی باشد. یعنی آنها در پروژه‌هایی با ارزش فعلی خالص مثبت سرمایه‌گذاری می‌کنند (جنسن و مک‌لینگ،^۲ ۱۹۷۶؛ مایرز و مجلوف،^۳ ۱۹۸۴). اصولاً یک فرصت سرمایه‌گذاری نشان‌دهنده مجموعه‌ای از سیاست‌ها و خط‌مشی‌های سرمایه‌گذاری است و با گذشت زمان همواره مورد تجدیدنظر شرکت قرار می‌گیرد. همچنین می‌تواند شامل عوامل محیطی که شرایط مساعدی را برای شرکت فراهم می‌کند، مانند بازار رو به رشد برای محصولات شرکت (داخلی و بین‌المللی) یا عوامل محدودکننده رقابت، تغییرات در نرخ ارز در جهت منافع شرکت، وضعیت مالی که آینده اطمینان بخشی را برای صنعت یا شرکت نوید می‌دهد و یا شناسایی بازار جدید و فرصت‌های رشد نشان‌دهنده استعداد بالقوه شرکت در سرمایه‌گذاری و سودآوری آتی است و فرصت‌های سرمایه‌گذاری موجب تخصیص منابع مالی شرکت به‌منظور تحصیل درآمد یا کاهش هزینه‌ها است، در نتیجه انتظار می‌رود شرکت‌ها سیاست‌های مالی منظم و اصولی برای فرصت‌های سرمایه‌گذاری را به اجرا گذارند (لو و همکاران،^۴ ۲۰۲۰).

اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری به تأمین منابع مالی موردنیاز آن وابستگی مستقیم دارند. اثربخشی سرمایه‌گذاری به تأمین مالی بستگی دارد، زیرا بدون در اختیار گذاشتن منبع مالی، سرمایه‌گذاری صورت نمی‌گیرد و یا به عبارتی اهداف آن محقق نمی‌گردد، که این نشانه اثربخشی سرمایه‌گذاری است (زوبیر و همکاران، ۲۰۲۰). تأمین وجوه موردنیاز تحت عنوان تأمین مالی برای

¹ Asiri et al

² Jensen & Meckling

³ Myers & Majluf

⁴ Luo et al.

شرکت‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است. شرکت‌های کوچک و متوسط منابع مالی جایگزین کمتری نسبت به شرکت‌های بزرگ‌تر دارند (بجتی و همکاران،^۱ ۲۰۱۰). مطابق نظریه سلسله مراتبی شرکت‌ها منابع تأمین مالی خود را براساس هزینه‌هایشان اولویت‌بندی می‌کنند. به این ترتیب آنها منابع مالی داخلی را ترجیح می‌دهند سپس بدهی و درنهایت به‌عنوان آخرین راه‌حل، صدور سهام جدید را انتخاب می‌کنند (وانگ^۲، ۲۰۱۰). فازاری و همکاران^۳ (۱۹۸۸) مطرح می‌کنند که افزایش اطلاعات نامتقارن باعث افزایش در هزینه‌های به دست آوردن سرمایه خارجی (به‌عنوان مثال، انتشار بدهی جدید) می‌شود. بنابراین، شرکت‌ها انگیزه دارند که از سرمایه‌های داخلی برای سرمایه‌گذاری استفاده کنند. فقط در مواقعی که بودجه داخلی ناکافی است، شرکت‌ها برای ادامه سرمایه‌گذاری خود نیاز به استفاده از تأمین مالی خارجی دارند (زبیر و همکاران^۴، ۲۰۲۰). مشکل تأمین مالی شرکت‌ها یک مانع بسیار عمومی و جدی در توسعه است بنابراین، تعداد زیادی از شرکت‌ها برای به دست آوردن وام مستقیم از بانک‌ها به دلیل ثروت محدود، فقدان سلامت مالی و سایر اصطکاک‌های نهادی مانند عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه‌های نمایندگی، با محدودیت روبرو هستند. برای حل این مشکل، کمیسیون تنظیم مقررات بانکداری چین و اداره مالیات دولت به صورت مشترک یک ابزار مالی جدید به نام "بانک - مالیات - مالیات" را توسعه دادند. در این قرارداد، بانک اعتبار مشخصی را به شرکت‌ها می‌دهد که عمدتاً براساس میزان پرداخت‌های مالیات گذشته شرکت است که توسط اداره مالیات گزارش شده است. این خط اعتباری، واحد معینی از مجموع پرداخت‌های مالیاتی است که از یک‌طرف، از طریق رتبه‌بندی اعتباری اداره مالیات، اطلاعات نامتقارن بین شرکت‌ها کاهش می‌یابد. بنابراین بانک‌ها می‌توانند بدون وثیقه وام پرداخت کنند که می‌تواند به‌عنوان راه‌حلی برای مشکل تأمین مالی شرکت‌ها (به دلیل ثروت کم و مسائل مطرح‌شده) در نظر گرفته شود. از سوی دیگر، درواقع، بسیاری از شرکت‌ها از طریق ابزارهای مختلف برای منافع خود از مالیات فرار می‌کنند و دولت می‌تواند از این طریق شرکت‌ها را به پرداخت مالیات براساس حسن نیت و منافع ملموس آن، برای شرکت‌ها تشویق کند (لو و همکاران، ۲۰۲۰).

در همین راستا یکی از مسائلی که می‌تواند بر سرمایه‌گذاری شرکت‌ها تأثیر بگذارد، معافیت‌های مالیاتی است. به خصوص در راستای تأمین مالی داخلی، معافیت‌های مالیاتی می‌تواند منابع تأمین مالی داخلی را افزایش دهد. که درنهایت افزایش تأمین مالی و سرمایه‌گذاری به افزایش عملکرد منتج می‌شود. شاید بتوان معافیت‌های مالیاتی را از مهم‌ترین ویژگی‌های مناطق آزاد تجاری نام برد

¹ Becchetti et al

² Wang

³ Fazzari et al

⁴ Zubair et al.

(عسگری و جعفری، ۱۳۹۵). ویژگی مناطق ویژه اقتصادی متنوع‌اند. برخی ویژگی‌های مشترک در تمامی این مناطق عبارتند از معافیت مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای وارداتی و کالاهای صادراتی از تعرفه‌های گمرکی. ویژگی دیگر مناطق آزاد تجاری معافیت‌های مالیاتی است. بخشودگی مالیات بر درآمد شرکت‌های سرمایه‌گذار در مناطق ویژه اقتصادی معمولاً دارای محدودیت زمانی ۳ تا ۵ سال است. پس از فرارسیدن مدت بخشودگی مالیات، سرمایه‌گذاران با مسئولان مالیاتی کشور میزبان به مذاکره می‌پردازند تا در این زمینه به توافق برسند. مدت‌زمان و گاهی میزان بخشودگی مالیاتی در صنایع مختلف بسته به نظر سیاست‌گذاران کشور میزبان متفاوت است (عسگری و جعفری، ۱۳۹۵).

باید گفت که چنین معافیت‌های مالیاتی در مناطق ویژه اقتصادی همچون منطقه ویژه اقتصادی امیرآباد مازندران، می‌تواند بر عملکرد این شرکت‌ها تأثیر بگذارد. در این راستا قاضی نوری و همکاران (۱۳۹۹) نیز بیان کردند که دخالت‌های دولت همچون دخالت در بحث مالیات می‌تواند عملکرد شرکت‌ها را تغییر دهد. عسگری و جعفری (۱۳۹۵) نیز بیان کردند که میزان صادرات کالا از مناطق ویژه اقتصادی به دلیل معافیت‌های مالیاتی تأثیر مثبت و معناداری بر میزان تولیدات و عملکرد شرکت‌های مناطق آزاد تجاری قشم، کیش و چابهار داشته و افزایش صادرات کالا، افزایش میزان تولید در مناطق آزاد را در پی داشته است. همچنین میزان سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی انجام‌شده در مناطق آزاد، به دلیل مشوق‌های مالیاتی تأثیری مثبت بر تولیدات این مناطق داشته است.

در شرایط معافیت مالیاتی، شرکت‌ها گزارش‌های مالی شفاف‌تری ارائه می‌دهند چرا که به دنبال اجتناب از مالیات نیستند. لذا تأمین مالی خارجی نیز با سهولت بیشتری محقق خواهد شد. درنهایت با افزایش سرمایه‌گذاری و تأمین مالی، می‌توان انتظار داشت که عملکرد شرکت بهبود یابد (لو و همکاران، ۲۰۲۰). در همین راستا با بررسی مطالعات انجام‌شده (به‌عنوان مثال (دامیانی و همکاران^۱، ۲۰۲۱؛ ورنر و همکاران^۲، ۲۰۲۱؛ لو و همکاران، ۲۰۱۶ و ۲۰۲۰؛ زبیر و همکاران، ۲۰۲۰؛ مینایی و صمدی، ۱۴۰۰؛ عسگری و جعفری، ۱۳۹۵)، می‌توان دریافت که مساله تأمین مالی و سرمایه‌گذاری در شرکت‌های کوچک و متوسط که به‌نوعی شرکت‌های منطقه ویژه اقتصادی امیرآباد نیز در این دسته قرار دارند در بیشتر مطالعات موردتوجه بوده است. چراکه چنین شرکت‌های عموماً در تأمین مالی و سرمایه‌گذاری دچار مشکل هستند. علاوه بر این اگرچه بحث معافیت‌های مالیاتی در مناطق آزاد تجاری در ایران مورد توجه بوده است؛ اما در مطالعات گذشته نقش معافیت‌های

^۱ Damiani et al.

^۲ Werner et al.

مالیاتی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری و تأمین مالی و در نهایت نقشی که بر عملکرد شرکت‌های منطقه ویژه اقتصادی امیرآباد دارد بررسی نشده است. علاوه بر این در هیچ یک از مطالعات گذشته مدلی برای بررسی چنین مسأله‌ای نیز تبیین نشده است. همچنین در مطالعات گذشته مقایسه‌ای برای نقش معافیت مالیاتی بر عملکرد در مقایسه با قبل از اتمام معافیت مالیاتی انجام نشده است. البته این مسأله که تاکنون در هیچ‌یک از مناطق ویژه اقتصادی چنین مسأله‌ای بررسی نشده است یکی از ضعف‌های مطالعات گذشته در ایران است. لذا با توجه به موارد مطرح‌شده در این تحقیق به ارائه الگویی جهت تبیین نقش معافیت مالیاتی و تصمیمات تأمین مالی و سرمایه‌گذاری بر عملکرد شرکت‌های سرمایه‌گذار در منطقه ویژه اقتصادی امیرآباد در استان مازندران پرداخته می‌شود.

انجام چنین مطالعه‌ای نه تنها به اهمیت منطقه ویژه اقتصادی امیرآباد کمک می‌کند، بلکه نقش معافیت مالیاتی، تصمیمات تأمین مالی و سرمایه‌گذاری در این منطقه را نیز بیشتر نمایان می‌کند، چرا که می‌تواند به افزایش عملکرد و رشد منطقه مورد نظر کمک نماید. درواقع با مشخص شدن نقش معافیت‌های مالیاتی بر تأمین مالی و سرمایه‌گذاری، دولت و تصمیم‌گیرندگان در رابطه با مناطق اقتصادی می‌توانند قوانین معافیت‌های مالیاتی سنجیده‌تری اتخاذ نمایند و بدین ترتیب الگوهای توسعه و بهبود عملکرد در منطقه ویژه اقتصادی امیرآباد مازندران را با دقت بیشتری تدوین نمایند. از طرفی در بعد کلان به اقتصاد کشور در جهت روابط بین‌المللی و رشد اقتصادی کمک می‌نماید. چرا که با افزایش عملکرد منطقه اقتصادی امیرآباد براساس مدل و روابط مورد بررسی، نه تنها دولت می‌تواند از منافع اقتصادی چنین مناطقی بهره‌برد بلکه افزایش عملکرد شرکت‌های منطقه منجر به افزایش رشد اقتصادی نیز خواهد شد. علاوه بر این با توجه به اینکه مناطق ویژه اقتصادی شریان‌های تجارت کشور محسوب می‌شود می‌تواند به توسعه تجارت ایران نیز کمک نماید.

۹-۱. فرضیه‌های پژوهش

براساس مبانی نظری مطرح‌شده، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر است.

- ۱- معافیت مالیاتی با تصمیمات تأمین مالی شرکت‌های سرمایه‌گذار در منطقه ویژه اقتصادی امیرآباد رابطه معناداری دارد.
- ۲- معافیت مالیاتی با تصمیمات سرمایه‌گذاری شرکت‌های سرمایه‌گذار در منطقه ویژه اقتصادی امیرآباد رابطه معناداری دارد.
- ۳- تصمیمات تأمین مالی با عملکرد شرکت‌های سرمایه‌گذار در منطقه ویژه اقتصادی امیرآباد رابطه معناداری دارد.

۴- تصمیمات میزان سرمایه‌گذاری با عملکرد شرکت‌های سرمایه‌گذار در منطقه ویژه اقتصادی امیرآباد رابطه معناداری دارد.

۲. روش پژوهش

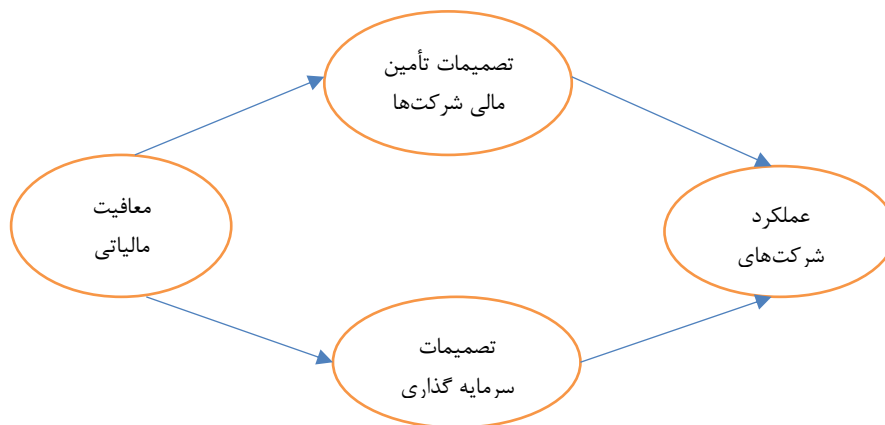
از آنجاکه این تحقیق به دنبال ارائه الگویی جهت تبیین نقش معافیت مالیاتی و تصمیمات تأمین مالی و سرمایه‌گذاری بر عملکرد شرکت‌های سرمایه‌گذار در منطقه ویژه اقتصادی امیرآباد است، لذا این نوع پژوهش را می‌توان یک نوع پژوهش کاربردی و از نوع تحقیقات عملی دانست. نتایج این پژوهش نیز برای سازمان بنادر و دریانوردی و برای مناطق ویژه اقتصادی و همچنین مناطق آزاد می‌تواند موردتوجه قرار گیرد. از حیث نحوه گردآوری داده‌ها، پژوهش حاضر بدین لحاظ که به بررسی رابطه میان متغیرها می‌پردازد، در دسته تحقیقات توصیفی-همبستگی جای می‌گیرد. همچنین پژوهش حاضر را بر مبنای نوع داده‌های گردآوری‌شده از نوع کمی دسته‌بندی می‌کنند، چراکه با گردآوری داده‌ها از طریق پرسشنامه، فرضیه‌های تحقیق آزمون می‌شوند.

جامعه آماری موردنظر، شرکت‌های فعال در منطقه ویژه اقتصادی امیرآباد در استان مازندران هستند. در این منطقه ۴۳ شرکت ثبت‌شده است. در این بین شرکت‌های ثبت‌شده ۳۶ شرکت قرارداد آنها شروع شده است و ۲۳ شرکت نیز در حال فعالیت (بهره‌برداری اقتصادی) هستند. لازم به ذکر است که تمامی شرکت‌های موردنظر حداقل ۳ سال فعالیت مداوم داشته‌اند. در همین راستا برای جمع‌آوری پرسشنامه سعی شد تا از هر شرکت پرسشنامه به صورت مساوی گردآوری شود. همچنین اولویت پاسخ‌گویی به پرسشنامه به ترتیب با مدیرعامل یا معاون اداری و مالی، مدیر مالی، رئیس حسابداری و کارشناس و کارشناس مسئول درآمد و حسابداری بوده است. این فرآیند در مهر سال ۱۳۹۹ تا اردیبهشت ۱۴۰۰ انجام شده است. در نهایت با توجه به تعداد شرکت‌های فعال و با توجه به کلیه مدیران یا معاون اداری و مالی، مدیر مالی، رئیس حسابداری و کارشناس و کارشناس مسئول درآمد و حسابداری، مجموعاً ۱۳۸ نفر شناسایی شدند. در همین راستا براساس فرمول کوکران اقدام به جمع‌آوری پرسشنامه شده است. در نهایت حجم نمونه برابر با ۱۰۱ نفر تعیین شد. از بین پاسخ‌دهندگان ۸ نفر مدیر بوده‌اند، ۱۹ نفر معاون اداری و مالی، ۲۶ نفر مدیر مالی، ۱۶ نفر رئیس حسابداری و مابقی (۳۲ نفر) کارشناس و کارشناس مسئول درآمد و حسابداری بوده‌اند.

S برای آزمون صحت مدل نظری تحقیق نیز از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری به‌وسیله نرم‌افزار SmartPLS2 استفاده شده است. در راستای بررسی آمار توصیفی و آماده‌سازی داده‌ها نیز از نرم‌افزار SPSS22 بهره گرفته شد.

مدل مفهومی پژوهش مطابق با شکل ۱، آورده شده است. در این شکل، معافیت مالیاتی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری شرکت‌ها و همچنین تصمیمات تأمین مالی شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد.

در نهایت تصمیمات سرمایه‌گذاری شرکت‌ها و همچنین تصمیمات تأمین مالی شرکت‌ها بر عملکرد شرکت‌های سرمایه‌گذار در منطقه ویژه اقتصادی امیرآباد تأثیر دارد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

۳. یافته‌های پژوهش

در جدول ۱، متغیرهای اصلی تحقیق بر اساس شاخص‌های توصیفی همچون میانگین و انحراف معیار مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۲. آمار توصیفی متغیرهای اصلی تحقیق

متغیر	نماد	تعداد سؤال	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار
عملکرد شرکت‌ها	CP	۹	۱۶	۴۰	۲۰۹۲۶	۰۰۹۶۶
معاذت مالیاتی	TE	۱۰	۲۰	۴۲	۳۰۳۶۳	۱۰۰۸۷
تصمیمات تأمین مالی	FD	۵	۱۰	۲۵	۳۰۲۴۶	۰۰۸۹۹
تصمیمات سرمایه‌گذاری	ID	۴	۴	۱۸	۲۰۶۹۶	۱۰۰۵۴

منبع: یافته‌های پژوهش، داده‌های خروجی از نرم‌افزارهای SPSS و SmartPLS

براساس نتایج جدول ۱، می‌توان دریافت که برای معافیت مالیاتی ۱۰ گویه طراحی شده است. براساس ۱۰ گویه موردنظر مجموع کمترین پاسخ‌ها ۲۰ بوده است. به همین ترتیب بیشترین امتیاز ۴۲ بوده است. برای سایر متغیرهای پژوهش نیز حداقل و حداکثر قابل ملاحظه است. با بررسی میانگین متغیرها ملاحظه می‌شود که کمترین میانگین برای گویه‌های تصمیمات سرمایه‌گذاری بوده است به‌طوری‌که میانگین آن ۲/۶۹۶ است و می‌توان گفت که اکثر پاسخ‌های کارکنان به سمت متوسط و کم متمایل بوده است. برای سایر متغیرها نیز میانگین تقریباً شرایطی مشابه دارد. به‌طوری‌که میانگین تمامی متغیرها تقریباً نزدیک به عدد ۳ است.

در راستای برآورد مدل پژوهش در جدول ۲، مقادیر اصلاح شده بارهای عاملی آورده شده است. همان‌گونه که در این جدول مشخص است، اولین معیار پایایی شاخص، ضرایب بارهای عاملی سؤالات می‌باشد که در مورد تمامی سؤالات ضریب بالاتر از ۰/۴ می‌باشد. همچنین، تمامی گویه‌ها در جهت مثبت بر شاخص‌های موردنظر اثرگذار بوده‌اند. لازم به ذکر است که گویه‌های با بار عاملی ضعیف حذف شده است.

جدول ۳. ضرایب اصلاح‌شده بار عاملی

بار عام لی	نماد	گویه‌های مورد بررسی	بار عام لی
0.7 10	TE1	معافیت‌های مالیاتی موجود، عامل تسهیلگر در سرمایه‌گذاری هستند.	بار عام لی
0.5 15	TE2	معافیت و تخفیفات مالیاتی برای جذب سرمایه‌گذاری در مناطق ویژه اقتصادی ضرورت دارد.	
0.5 30	TE3	نظام مالیاتی همراه با معافیت‌های مالیاتی بر رونق کسب‌وکارها تاثیر گذارند.	
0.7 71	TE4	معافیت مالیاتی باعث کاهش وابستگی کسب‌وکارها به کمک‌های مالی دولت می‌شود.	
0.5 14	TE5	معافیت مالیاتی عاملی انگیزشی در تاسیس کسب‌وکارهای کوچک و متوسط می‌باشد.	
0.4 74	TE6	معافیت مالیاتی افزایش درآمد را برای کسب‌وکارها به همراه دارد.	

0.6 41	TE7	معافیت مالیاتی موضوعی، باعث افزایش سرمایه‌گذاری می‌گردد.	
-	TE8	معافیت مالیاتی موضوعی، افزایش جذب نیروی انسانی متخصص در کسب‌وکارهای را به همراه دارد.	
0.8 13	TE9	معافیت‌های مالیاتی در منطقه ویژه به‌منظور جذب سرمایه‌های سرگردان اختصاص یافته است.	
-	TE10	سیستم مالیاتی عادلانه شکوفایی فضای کسب‌وکار را به همراه دارد.	
0.6 08	FD1	واگذاری سهام شرکت به سرمایه‌گذارها از روش‌های مطمئن تأمین مالی است.	تأمین مالی
0.7 03	FD2	واگذاری سهام شرکت به سرمایه‌گذارها موجب می‌شود تا آن‌ها در سود و زیان شرکت سهیم شوند.	
0.8 10	FD3	تأمین با استقراض مالی با بازه‌های زمانی بلندمدت برای شرکت منافع بیشتری دارد.	
0.7 31	FD4	اخذ وام‌های بلندمدت برای تأمین مالی شرکت پیشنهاد مطلوبی است.	
0.6 46	FD5	ترکیبی از واگذاری سهام شرکت به سرمایه‌گذارها و اخذ وام‌های بلندمدت برای تأمین مالی شرکت مناسب است.	
0.8 56	ID1	میزان سرمایه‌گذاری شرکت‌ها در سه سال گذشته در مناطق ویژه اقتصادی روند رو به رشدی را نشان می‌دهد.	سرمایه‌گذاری
0.5 88	ID2	میزان سود پس از کسر مالیات شرکت‌های فعال در مناطق ویژه اقتصادی روند افزایشی داشته است.	
0.8 96	ID3	میزان درآمد شرکت‌های فعال در مناطق ویژه اقتصادی نسبت به سه سال گذشته بیشتر شده است.	
0.7 98	ID4	میزان علاقه‌مندی به سرمایه‌گذاری در مناطق ویژه اقتصادی نسبت به سنوات قبل افزایش یافته است.	
-	CP1	درآمد عملیاتی سازمان نسبت به سه سال گذشته از رشد مناسبی برخوردار بوده است.	عملکرد شرکت
0.6 93	CP2	نمودار رشد ارائه خدمات کسب‌وکارها سیر صعودی را نشان می‌دهد.	
0.7	CP3	بازگشت سرمایه‌گذاری (ROI) در این کسب‌وکارها وضعیت مطلوبی را نشان می‌دهد.	

43		
0.8 42	CP4	برنامه‌های کنترل و کاهش هزینه با اثربخشی مناسبی همراه بوده است.
0.6 57	CP5	برنامه‌های تحقیق و توسعه سازمان با اثربخشی مناسبی همراه بوده است.
-	CP6	توسعه کارکنان کسب‌وکارها نسبت به سه سال گذشته از رشد خوبی برخوردار بوده است.
0.4 16	CP7	سلامت و ایمنی کارکنان نسبت به سنوات گذشته وضعیت مناسبی داشته است.
0.7 70	CP8	میزان رضایت شهروندان تأکیدی بر کیفیت مطلوب خدمات ارائه‌شده توسط این کسب‌وکارها می‌باشد.
0.6 07	CP9	برنامه‌های توسعه خدمات جدید در مناطق تحت پوشش با موفقیت روبرو بوده است.

منبع: یافته‌های پژوهش، داده‌های خروجی از نرم‌افزارهای SPSS و SmartPLS

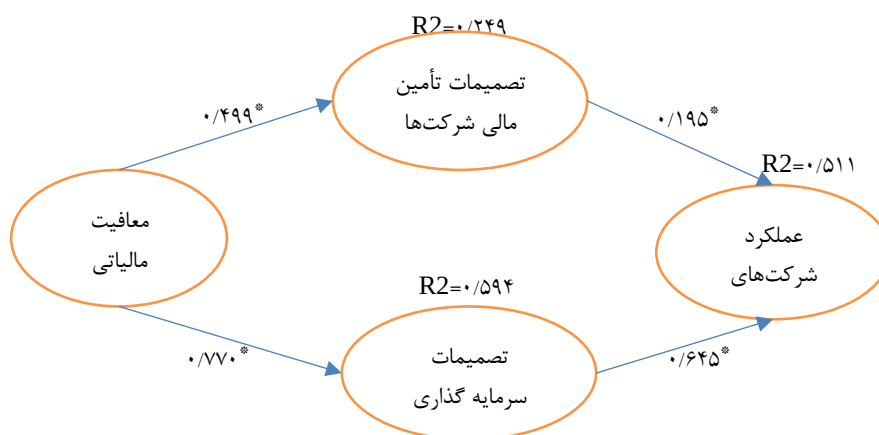
برای بررسی معیار دوم و سوم (آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی) نتایج مربوطه، در مورد سازه‌های اصلی مدل در جدول ۳، آورده شده است. براساس نتایج آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی شاخص‌های اصلی پژوهش مشاهده می‌شود که مقادیر موردنظر برای هر دو شاخص و برای تمامی سازه‌های پژوهش بالاتر از $0/7$ (حداقل سطح قابل قبول) می‌باشد. بالاتر شدن آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی از $0/7$ در مورد سازه‌های پژوهش، تأییدکننده پایایی شاخص مناسب مدل است. علاوه بر این براساس نتایج جدول ۳، مشاهده می‌شود که تمامی مقادیر AVE از $0/4$ بیشتراند. لذا در مجموع روایی همگرایی مناسب برای تمامی متغیرهای پنهان مدل وجود دارد. همچنین روایی واگرا در جدول ۳ و براساس روش فورنل و لارکر آورده شده است. همان‌گونه که از ماتریس ارائه‌شده مشخص می‌باشد، جذر AVE هر سازه (مقادیر قطر اصلی) از ضرایب همبستگی آن سازه با سازه‌های دیگر (مقادیر هم سطر و هم ستون) بیشتر شده است که این مطلب حاکی از قابل قبول بودن روایی واگرایی سازه‌ها می‌باشد.

جدول ۴. بررسی پایایی و روایی شاخص‌های مدل پژوهش

ابعاد مدل پژوهش	نماد	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	AVE	CP	TE	FD	ID
عملکرد شرکت‌ها	CP	0.806	0.858	0.472	0.687			
معافیت مالیاتی	TE	0.775	0.837	0.401	0.539	0.633		
تصمیمات تأمین مالی	FD	0.744	0.829	0.495	0.34	0.499	0.703	
تصمیمات سرمایه‌گذاری	ID	0.803	0.869	0.630	0.589	0.57	0.225	0.793

منبع: یافته‌های پژوهش، داده‌های خروجی از نرم‌افزارهای SPSS و SmartPLS

در رابطه با بررسی مدل ساختاری با توجه به اینکه آزمون‌های مربوط به مدل‌های اندازه‌گیری بیانگر قابل قبول بودن مدل‌های مورد نظر است. لذا مدل ساختاری پژوهش برآورد گردید. در همین راستا ضریب تعیین (R^2) که بیانگر میزان توضیح‌دهندگی مدل‌های ساختاری است نشان می‌دهد که در مدل ساختاری عملکرد شرکت‌ها ضریب تعیین ۰/۵۱۱ است. در واقع متغیرهای مورد نظر توانسته‌اند حدود ۵۱/۱ درصد از تغییرات عملکرد شرکت‌های سرمایه‌گذار در منطقه ویژه اقتصادی امیرآباد را توضیح دهند.



شکل ۲. مدل ساختاری پژوهش (* معناداری در سطح احتمال ۹۵ درصد)

منبع: یافته‌های پژوهش، داده‌های خروجی از نرم‌افزارهای SPSS و SmartPLS

براساس نتایج شکل ۲، مشاهده می‌شود که ضریب مسیر معافیت مالیاتی بر تصمیمات تأمین مالی ۰/۴۹۹ است. این ضریب براساس آماره t ، در سطح احتمال ۹۵ درصد معنادار است. بنابراین می‌توان گفت که با افزایش معافیت مالیاتی، تصمیمات تأمین مالی افزایش پیدا می‌کند. لذا فرضیه اول پژوهش مبنی بر اینکه "معافیت مالیاتی با تصمیمات تأمین مالی شرکت‌های سرمایه‌گذار در منطقه ویژه اقتصادی امیرآباد رابطه معناداری دارد"، تأیید می‌شود. همچنین فرضیه دوم پژوهش بیان می‌کند که "معافیت مالیاتی با تصمیمات سرمایه‌گذاری شرکت‌های سرمایه‌گذار در منطقه ویژه اقتصادی امیرآباد رابطه معناداری دارد". در همین راستا ضریب مسیر موردنظر ۰/۷۷۰ است و آماره t ، حکایت از آن دارد که ضریب موردنظر در سطح احتمال ۹۵ درصد معنادار است. درواقع معافیت مالیاتی منجر به افزایش تصمیمات سرمایه‌گذاری در منطقه ویژه اقتصادی امیرآباد می‌شود.

در راستای بررسی فرضیه سوم پژوهش، ضریب مسیر تصمیمات تأمین مالی بر عملکرد شرکت ها، ۰/۱۹۵ است. این ضریب نیز بر اساس آماره t ، همانند فرضیه‌های قبلی در سطح احتمال ۹۵ درصد معنادار است. بنابراین فرضیه سوم پژوهش نیز در سطح احتمال ۹۵ درصد تأیید می‌شود. در نهایت بر اساس نتایج، مشاهده می‌شود که ضریب تصمیمات سرمایه‌گذاری بر عملکرد شرکت ها ۰/۶۴۵ و در سطح احتمال ۹۵ درصد معنادار است. لذا می‌توان گفت که با افزایش تصمیمات سرمایه‌گذاری، عملکرد شرکت ها افزایش پیدا می‌کند.

در حالت کلی براساس تمامی نتایج باید گفت که با افزایش معافیت‌های مالیاتی، شرکت‌های سرمایه‌گذار در منطقه ویژه اقتصادی امیرآباد استان مازندران اقدام به افزایش تأمین مالی و سرمایه‌گذاری می‌کند. در ادامه با افزایش تأمین مالی و سرمایه‌گذاری، عملکرد شرکت‌های موردنظر افزایش پیدا می‌کند.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

یکی از اصلی‌ترین مسائلی که همواره در شرکت‌ها مورد توجه بوده است، عملکرد شرکت است. این عملکرد می‌تواند براساس میزان سرمایه‌گذاری شرکت، تأمین مالی و همچنین مشوق‌های مالیاتی همچون معافیت‌های مالیاتی مناطق ویژه اقتصادی تحت‌الشعاع قرار گیرد. به‌طوری‌که با افزایش معافیت‌های مالیاتی، شرکت‌ها دسترسی بیشتری به منابع تأمین مالی در شرکت دارند و بدین ترتیب می‌توانند سرمایه‌گذاری بیشتری نیز انجام دهند. همچنین در شرایط معافیت مالیاتی، شرکت‌ها گزارش‌های مالی شفاف‌تری ارائه می‌دهند چراکه به دنبال اجتناب از مالیات نیستند. لذا تأمین مالی خارجی نیز با سهولت بیشتری محقق خواهد شد. در نهایت با افزایش سرمایه‌گذاری و تأمین مالی، می‌توان انتظار داشت که عملکرد شرکت بهبود یابد.

این مطالعه از دو جهت سهم علمی در راستای تحقیقات انجام شده دارد. اولاً در این مطالعه منطقه ویژه اقتصادی امیرآباد در استان مازندران مورد بررسی قرار گرفته است. در این منطقه شرکت‌های مورد بررسی نوپا بوده و برای افزایش عملکرد راه طولانی در پیش دارند و مطالعه حاضر بدین جهت به رشد و توسعه این منطقه کمک می‌کند. علاوه بر این در این مطالعه مسأله معافیت‌های مالیاتی و نقشی که این معافیت مالیاتی بر عملکرد از طریق تصمیمات سرمایه‌گذاری و تأمین مالی دارد بررسی شده است که در مطالعات گذشته اگرچه روابط دوگانه متغیرهای این پژوهش بررسی شده است، اما تاکنون به صورت هم‌زمان به مسئله مورد نظر پرداخته نشده است. همچنین نتایج این تحقیق می‌تواند راه‌گشای مطالعات آتی در مناطق ویژه اقتصادی باشد و به دولت‌ها در جهت توسعه هرچه بیشتر این مناطق اقتصادی و افزایش عملکرد شرکت‌های سرمایه‌گذار در این منطقه کمک می‌کند.

براساس نتایج، مشاهده شد که با افزایش معافیت مالیاتی، تصمیمات تأمین مالی افزایش پیدا می‌کند. در همین راستا با افزایش معافیت‌های مالیاتی، شرکت‌ها دسترسی بیشتری به منابع تأمین مالی دارند و بدین ترتیب می‌توانند سرمایه‌گذاری بیشتری نیز انجام دهند. همچنین در شرایط معافیت مالیاتی، شرکت‌ها گزارش‌های مالی شفاف‌تری ارائه می‌دهند چراکه به دنبال اجتناب از مالیات نیستند. لذا تأمین مالی خارجی نیز با سهولت بیشتری محقق خواهد شد. در همین راستا لو و همکاران (۲۰۱۶ و ۲۰۲۰) گاتسی و همکاران (۲۰۱۳) و پولیتو و همکاران (۲۰۱۹) به نتایجی مشابه دست یافتند. در ایران نیز خدای‌پور و همکاران (۱۳۹۳)، رابطه منفی بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدهی وجود دارد.

در همین راستا معافیت مالیاتی منجر به افزایش تصمیمات سرمایه‌گذاری در منطقه ویژه اقتصادی امیرآباد نیز می‌شود. درواقع نحوه برخورد مالیات با سرمایه‌گذاری و درآمد، اثرات قابل‌ملاحظه‌ای برای هزینه استفاده از سرمایه دارد، یک معافیت مالیاتی برای سرمایه‌گذاری، هزینه سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد و باعث افزایش موجودی سرمایه مطلوب می‌گردد. آخمادیو و همکاران (۲۰۱۶)، نیمان (۲۰۱۱)، آلویس (۲۰۱۹)، نیز به نتایجی مشابه در تأثیر منفی مالیات بر سرمایه‌گذاری دست یافتند. در ایران نیز پژوهان و خسروی (۱۳۹۱) و رستمی و اسدزاده (۱۳۹۶) به نتایجی تقریباً مشابه اشاره نمودند.

علاوه بر این نتایج نشان داد که تصمیمات تأمین مالی بر عملکرد شرکت‌ها، تأثیر معنادار و مثبت دارد. در این راستا دسترسی آسان و با هزینه پایین به نقدینگی، به دلیل افزایش احتمال نوآوری (کینگ و لوین، ۱۹۹۳)، سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه، بهبود وضعیت تکنولوژی و تخصیص بهینه منابع (لوین و زروس، ۱۹۹۸) و همچنین کاهش ریسک نقدینگی در پروژه‌هایی که

در بلندمدت منجر به افزایش بهره‌وری می‌شوند (آگیون و همکاران، ۲۰۱۰)، اثر مثبت بر بهره‌وری و بنابراین بر عملکرد و رشد شرکت دارد. مگنانلی و ایزو (۲۰۱۷)، گرانت و یئو (۲۰۱۸)، خزایی و همکاران (۱۳۹۶) و مینایی و صمدی (۱۴۰۰)، نیز به نتایجی مشابه دست یافتند.

در نهایت مطابق با نتایج، تصمیمات سرمایه‌گذاری بر عملکرد شرکت‌ها نقش معنادار داشت. در این راستا باید چنین بیان کرد که افزایش سرمایه‌گذاری، در صورتی که ارزش حال خالص سرمایه‌گذاری مثبت باشد، منجر به افزایش عملکرد شرکت می‌شود. گرانت و یئو (۲۰۱۸)، لو و همکاران (۲۰۲۰) و مینایی و صمدی (۱۴۰۰)، نیز به نتایجی مشابه دست یافتند.

با توجه به تأثیر معافیت مالیاتی بر سرمایه‌گذاری شرکت‌ها در منطقه ویژه اقتصادی امیرآباد، می‌بایست در چنین مناطقی به نرخ نزولی مالیات تجربه شود، که سبب تشویق سرمایه‌گذاری و گسترش ظرفیت تولید تا حد مقیاس اقتصادی تولید، گردد. در سیستم مالیاتی ایالات متحده، در دهه ۸۰ میلادی، نرخ‌های مالیات بر سود شرکت‌ها، پس از چند نرخ تصاعدی، شامل نرخ نزولی برای آخرین طبقه بود، با توجه به نتایج، این تجربه در اقتصاد ایران نیز می‌تواند، سرمایه‌گذاری را تشویق نماید. نحوه برخورد مالیات با سرمایه‌گذاری و درآمد سرانه، اثرات قابل‌ملاحظه‌ای برای هزینه استفاده از سرمایه دارد. یک معافیت مالیاتی برای سرمایه‌گذاری، هزینه سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد و باعث افزایش موجودی سرمایه مطلوب می‌گردد. در نهایت چنین مسأله‌ای افزایش عملکرد شرکت‌ها را در پی دارد. همچنین به دلیل آنکه سرمایه‌گذاری‌ها نسبت به هم متفاوت و طول عمر مختلفی دارند، ترکیبات مختلف مالیات، بر تخصیص منابع و سرمایه‌گذاری مؤثر خواهد بود. هرچه سرمایه‌گذاری بلندمدت‌تر، سود بیشتر است و نرخ مؤثر مالیاتی کمتر خواهد بود، در نتیجه روند سرمایه‌گذاری تغییر کرده و جریان سرمایه‌گذاری به سمت سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت حرکت خواهد نمود. بنابراین دولت با اعمال معافیت‌های مختلف مالیاتی، باعث تشویق سرمایه‌گذاری در مناطق ویژه اقتصادی بخصوص منطقه امیرآباد می‌گردد، که این مسأله ممکن است درآمد مالیاتی را در دوره موردنظر کاهش دهد، اما با تشویق و افزایش در سرمایه‌گذاری، درآمدهای مالیاتی آینده افزایش خواهد یافت.

منابع

۱. ابراهیم‌پور، حبیب (۱۳۹۳). "بررسی رابطه اخلاق کاری با رفتار کناره‌گیرانه"، اخلاق در علوم و فناوری، ۹(۱)، صص ۷۹-۷۰.
۲. احمدی، علی‌محمد و وفایی‌یگانه، رضا (۱۳۹۱). "بررسی میزان مالیات‌های اسلامی در سبد هزینه‌ای خانوارها و میزان اثرپذیری آن از رشد اقتصادی با استفاده از ماتریس حسابداری اجتماعی"، پژوهشنامه مالیات، زمستان، شماره ۱۶، مسلسل ۶۴.
۳. برنگی، سمانه و زنجیردار، مجید (۱۳۹۳). "بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری در فناوری اطلاعات بر عملکرد شرکت‌ها در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، اولین کنفرانس ملی جایگاه مدیریت و حسابداری در دنیای نوین کسب و کار، اقتصاد و فرهنگ.
۴. پاک‌مرام، عسگر و رضایی، ندا (۱۳۹۶). "تأثیر محیط رقابتی و شاخصه‌های سازمانی بر شیوه‌های حسابداری مدیریت و عملکرد سازمانی"، حسابداری مدیریت، ۱۰(۳۴)، صص ۵۵-۴۵.
۵. پژویان، جمشید؛ خسروی، تانیا (۱۳۹۱). "تأثیر مالیات بر شرکت‌ها بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی"، اقتصاد کاربردی، ۳(۱۱)، صص ۹۷-۱۲۱.
۶. حاجی اصل محمد، رحیمی باغملک جهانبخش (۱۳۹۹). "تأثیر سرمایه‌گذاری فناوری اطلاعات سلامت بر عملکرد مالی با نقش میانجی فرآیند کسب و کار در بیمارستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد"، راهبردهای مدیریت در نظام سلامت، ۵(۳)، صص ۱۷۳-۱۸۴.
۷. خدای پوراحمد، امینی نیا، میثم (۱۳۹۲). "بررسی ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدهی و تأثیر مالکیت نهادی بر این رابطه"، پژوهشنامه مالیات ۲۱ (۱۹) صص ۱۶۵-۱۳۵.
۸. خزائی، ایوب؛ طهرانچیان، امیرمنصور؛ جعفری صمیمی، احمد و طالبلو، رضا (۱۳۹۶). "تأثیر تأمین مالی از طریق ابزارهای بدهی بر عملکرد بنگاه‌های تولیدی در ایران"، تحقیقات اقتصادی، ۵۲(۲)، صص ۲۸۷-۳۱۲.
۹. رستمی ولی و اسدزاده وحید (۱۳۹۶). "بررسی حقوقی تأثیر مالیات بر سرمایه‌گذاری خارجی"، پژوهشنامه مالیات. ۲۵ (۳۳)، صص ۱۴۹-۱۶۵.
۱۰. رفعت میلانی، مژگان؛ پژویان، جمشید؛ حسینی، سیدشمس‌الدین؛ غفاری، فرهاد (۱۳۹۹). "بررسی تأثیر مالیات محلی بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب OECD و ارائه راهکارهای جهت پیاده‌سازی مالیات‌های محلی در اقتصاد ایران"، اقتصاد مالی، ۱۴(۵۳)، صص ۴۴-۲۱.

۱۱. عباسی، محمدرضا و فیضی چکاب، غلام نبی (۱۳۹۹). "نقدی بر نظریه شورای عالی مالیاتی نسبت به مفهوم مشارکت مدنی و عدم معافیت مالیاتی مشاغل حرفه‌ای"، حقوق اداری، ۸ (۲۴) صص ۱۳۴-۱۱۵
۱۲. عرب مازار، عباس؛ زمان‌زاده، اکبر و شایسته، زهرا (۱۳۹۲). "بررسی تأثیر مالیات بر رفتار سرمایه‌گذاری خصوصی: با تأکید بر سیاست‌های مالیاتی در برنامه پنجم توسعه"، اقتصاد و الگوسازی، ۴ (شماره ۱۴-۱۵)، صص ۴۵-۲۵.
۱۳. عسگری، علی، جعفری، تینا (۱۳۹۵). "ارزیابی آثار اعطای معافیت مالیاتی در مناطق آزاد تجاری ایران (مطالعه موردی منطقه آزاد قشم، کیش و چابهار)"، اقتصاد مالی، ۱۰ (۳۷)، صص ۴۳-۷۰.
۱۴. فروغی، داریوش و محمدی، هاجر (۱۳۹۰). "چگونگی ارتباط تأمین مالی از طریق بدهی و کیفیت سود"، پژوهش حسابداری. شماره ۱. صص ۱۵۴-۱۳۸.
۱۵. قاضی نوری، سپهر؛ محمدهاشمی، زهرا و سجادی‌فر، مهدی (۱۳۹۹). "بررسی اثرات مداخلات دولتی بر عملکرد نوآورانه بنگاه‌ها: مطالعه موردی شرکت‌های دانش‌بنیان حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات"، پژوهشنامه مدیریت اجرایی، ۱۲ (۲۳)، صص ۱۲۴-۹۵.
۱۶. مجتهدزاده، ویدا؛ علوی طبری، سیدحسین و خدابخشی، نجمه (۱۳۸۸). "رابطه تأمین مالی و عملکرد عملیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۱ (۱)، صص ۴۹-۲۸.
۱۷. مرادزاده فرد، مهدی؛ نوری‌فرد، یداله و علی‌پور، سعیده (۱۳۹۲). "رابطه ی نوع و حجم تأمین مالی با عملکرد عملیاتی"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۵ (۱۹)، صص ۱۰۱-۶۹.
۱۸. مهرگان، نادر و اسکندری عطا، محمدرضا (۱۳۹۵). "تحلیلی بر ضرورت معافیت مالیاتی معلولین در ایران"، سیاست‌های راهبردی و کلان، ۴ (۱۵)، صص ۹۶-۷۵.
۱۹. مینایی، مرجان و صمدی، فاطمه (۱۴۰۰). "تأثیر سرمایه‌گذاران خطرپذیر و وام بانکی بر عملکرد شرکت‌های کوچک و متوسط"، مدیریت کسب و کار، ۱۳ (۴۹)، صص ۴۳۱-۴۰۵.
۲۰. نصیری‌نژاد، محمدرضا؛ استادی، حسین و هرتمنی، امیر (۱۳۹۳). "بررسی تأثیر مالیات بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای عضو D-8"، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۴ (۱۴)، صص ۳۹-۲۹.
۲۱. نظری علیرضا (۱۳۹۰). "لزوم ساماندهی معافیت‌های مالیاتی"، مجله اقتصادی (دوماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی)، ۱۱ (۱۱): صص ۱۴۲-۱۳۹.

۲۲. هادیان، ریحانه؛ هاشمی، سیدعباس و صمدی، سعید (۱۳۹۶). "ارزیابی تأثیر سرمایه‌گذاری در عملکرد آینده با در نظر گرفتن سطح محدودیت مالی شرکت"، مدیریت دارایی و تأمین مالی، ۵(۳)، صص ۱۱۷-۱۳۲.
۲۳. هاشمی سیدعباس و مهرابی مهدی (۱۳۸۷). "شناسایی عوامل مالیاتی مؤثر بر مزیت استفاده از بدهی برای تأمین مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۵(۵۴)، ۱۳۷-۱۵۴.
۲۴. هنری حبیب؛ کارگر، غلامعلی و فرهنگ، فرناز (۱۳۹۳). "نقش معافیت‌های مالیاتی بر توسعه باشگاه‌های کوچک ورزشی از دیدگاه مدیران باشگاه‌ها و کارشناسان ورزشی شهر اصفهان"، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. دانشگاه علامه طباطبائی. دانشکده تربیت بدنی

25. Akhmadeev, R., Kosov, M., Bykanova, O., Ekimova, K., Frumina, S., & Filippova, N. V. (2016). Impact of tax burden on the country's investments. *Journal of Applied Economic Sciences*, 11(5), 992-1002.
26. Alves, J. (2019). The impact of tax structure on investment: an empirical assessment for OECD countries. *Public Sector Economics*, 43(3), 291-309.
27. Asiri, M., Al-Hadi, A., Taylor, G., & Duong, L. (2020). Is corporate tax avoidance associated with investment efficiency?. *The North American Journal of Economics and Finance*, 52, 101143.
28. Becchetti, L., Castelli, A., & Hasan, I. (2010). Investment-cash flow sensitivities, credit rationing and financing constraints in small and medium-sized firms. *Small Business Economics*, 35, 467-497.
29. Damiani, M., Pompei, F., & Ricci, A. (2021). Tax breaks for incentive pay productivity and wages: evidence from a reform.
30. Dreßler, D., & Overesch, M. (2013). Investment impact of tax loss treatment—empirical insights from a panel of multinationals. *International Tax and Public Finance*, 20(3), 513-543.
31. Fazzari, S., Hubbard, R., & Petersen, B. (1988). Financing constraints and corporate investment. *Brookings Papers on Economic Activity*, 1, 141-195.
32. Fornell, C. & Larcker, D. F. (1981). Structural equation models with unobservable variables and measurement error: Algebra and statistics. *Journal of marketing research*, 382-388.
33. Gale, W. G., & Samwick, A. A. (2018). Effects of income tax changes on economic growth. *Economic Studies*.
34. Gatsi, J. G., Gadzo, S. G., & Kportorgbi, H. K. (2013). The effect of corporate income tax on financial performance of listed manufacturing firms in Ghana. *Research Journal of Finance and Accounting*, 4(15), 118-124.

35. Grant, D., & Yeo, B. (2018). A global perspective on tech investment, financing, and ICT on manufacturing and service industry performance. *International Journal of Information Management*, 43, 130-145.
36. Jensen, M., & Meckling, W. (1976). Theory of the firm: Managerial behaviour, agency costs and ownership structure. *Journal of Financial Economics*, 3(4), 305-360.
37. Luo, P., Song, D., & Chen, B. (2020). Investment and financing for SMEs with bank-tax interaction and public-private partnerships. *International Review of Economics & Finance*, 65, 163-172.
38. Luo, P., Wang, H., & Yang, Z. (2016). Investment and financing for SMEs with a partial guarantee and jump risk. *European Journal of Operational Research*, 249(3), 1161-1168.
39. Magnanelli, B. S., & Izzo, M. F. (2017). Corporate social performance and cost of debt: the relationship. *Social Responsibility Journal*.
40. Myers, S., & Majluf, N. S. (1984). Corporate financing and investment decisions when firms have information that investors do not have. *Journal of Financial Economics*, 13(2), 187-221.
41. Niemann, R. (2011). The impact of tax uncertainty on irreversible investment. *Review of Managerial Science*, 5(1), 1-17.
42. Phillips, W., Lee, H., Ghobadian, A., O'Regan, N., & James, P. (2015). Social innovation and social entrepreneurship: A systematic review. *Group & Organization Management*, 40(3), 428-461.
43. Politou, E., Alepis, E., & Patsakis, C. (2019). Profiling tax and financial behaviour with big data under the GDPR. *Computer law & security review*, 35(3), 306-329.
44. Shah, S. Z. A., Ahmad, M., & Mahmood, F. (2018). Heuristic biases in investment decision-making and perceived market efficiency: A survey at the Pakistan stock exchange. *Qualitative Research in Financial Markets*.
45. Sheikh, M. F., Shah, S. Z. A., & Akbar, S. (2018). Firm performance, corporate governance and executive compensation in Pakistan. *Applied economics*, 50(18), 2012-2027.
46. Sweetin, V. H., Knowles, L. L., Summey, J. H., & McQueen, K. S. (2013). Willingness-to-punish the corporate brand for corporate social irresponsibility. *Journal of Business Research*, 66(10), 1822-1830.
47. Wang, D. (2010). Corporate investment, financing, and dividend policies in the high-tech industry. *Journal of Business Research*, 63(5), 486-489.
48. Werner, A., Schell, S., & Haunschild, L. (2021). How does a succession influence investment decisions, credit financing and business performance in small and medium-sized family firms?. *International entrepreneurship and management journal*, 17(1), 423-446.

-
49. Zubair, S., Kabir, R., & Huang, X. (2020). Does the financial crisis change the effect of financing on investment? Evidence from private SMEs. *Journal of Business Research*, 110, 456-463.

